

زدن روشنفکران به شیوه خصولتی

استراتژی این گفتمان در دو صورت امکان داشت به توفیق برسد. یکی اینکه طرف مقابل، در برابر آنها ایستادی نمی‌کرد و دیگر آنها که با داشته‌ها و باورهای فرهنگی خود به مصاف آنها می‌آمدند. ولی این اتفاق نیفتاد و آنها از سر تکدستی در خلق جذاییت‌های فرهنگی به «سیاست به منابه سیاست» روی آوردند و تلاش کردند نگذارند آمیزه‌ای از گفتمان فرهنگی دولتی و مستقل ریشه آنها را بخشکانند. و با اینکه در گفتمان‌سازی فرهنگی کهنیه و ناتوان بودند، به خوبی می‌دانستند نباید بگذارند فرهنگ و سیاست با هم جفت شوند. آنها توان گفتمان‌سازی آل‌احمد و شریعتی را تنها در کتاب‌ها نخوانده بودند، بلکه با آن زیسته بودند و گفتمان آنها را برای رسیدن به جامعه انقلابی، اجرائی کرده بودند. اگرچه خاستگاه‌شان گفتمانی روشنفکرانه نبود، ولی با سازوکار و شیوه فعلیت‌یافتن گفتمان‌های روشنفکرانه کاملاً آشنایی داشتند. از این‌رو به مراکز دولتی که می‌خواستند با آمیزه‌ای از روشنفکران دولتی و مستقل، فرهنگی تازه خلق کند و در ادامه به راهبردی سیاسی دست یابد، حمله کردند و دولت‌های سازندگی و اصلاحات را با مخاطراتی مواجه کردند. در واقع آنها، با زبان سیاست منهای فرهنگ، به مقابله با فرهنگ منهای سیاست آمده بودند. شکست قریب‌الوقوع «کارشناسان فرهنگی» هوش چندانی نمی‌خواست، این حملات باعث شد تا اگر اندکی میل به مشارکت سیاسی بین روشنفکران مستقل وجود داشت، به پسله برود و ناگزیر بیش از پیش به فرهنگ منهای سیاست پناه ببرند تا مگر به شانه‌به‌ها خاتمه دهند. عقب‌نشینی آنها تدریوها را آرام نکرد و اگرچه وزیر اصلاحات با موفقیت از استیضاح مجلس بیرون آمد، اما این فقط موفقیتی موقتی بود. بعد از این ترکیب روشنفکران دولتی و مستقل به این نتیجه رسیدند که برای ادامه زیست‌سیاسی خود، بیش از پیش به فرهنگ پناه ببرند. در نتیجه، فرهنگ را از سیاست «فک‌کردند» و تنها به حضور در انتخابات و حمایت از نامزدهای مستقل بسنده کردند. بی‌انصافی است اگر گویم هیچ تأثیری نداشتند، مهم‌ترین اثر آنها را در برآمن دولت اصلاحات شاهد بودیم و بی‌اثربودن‌شان را در به‌قدرت‌رسیدن احمدی‌نژاد. شاید دم‌دستی‌ترین تحلیل، این باشد که فک‌کردن فرهنگ از سیاست، به اندازه فک‌کردن اقتصاد از سیاست ناممکن است. در این بین، گروه دیگری از روشنفکران معتقد بودند که نباید در سازوکارهای دولتی ادغام شد، نه تأمین‌بوند و نه امیدوار، چنین تغییری مطلوب آنها نبود. و بر این نظر بودند که راه آنها خلق فرهنگ از دل سیاست است. پس نگاهی منتقدانه به سیاست داشتند، این نگاه در بعضی مواقع مؤثر واقع می‌شد و می‌توانست جامعه را مورد خطاب قرار دهد و در مواقعی به این سو-ظن می‌انجامید که آنها نگاهی کینه‌توزانه دارند، هرچند این‌گونه نبود. بسیاری از روشنفکران در بدنه دولت جذب شده بودند و شکافی در تحلیل‌ها و باورهای جامعه به وجود آورده بودند. اما روشنفکران مستقل در دوران اصلاحات روزگار سختی را پشت سر گذاشتند. چون بر چیزی بافشاری می‌کردند که عموم به آن باوری نداشت و آن چیزی نبود جز اینکه در سازوکارهای دولت، حتی به بهای تغییر گفتمان نباید جذب و هضم شد. در این گروه روشنفکران مستقلی بودند که با میانیجی هنر و ادبیات با سیاست مرتبط می‌شدند. نام‌های آنها، چنان زیاد و آشناست که تنها می‌توان به چهره شاخصی از این جریان اشاره کرد: هوشنگ گلشیری. گسست بین این دو گروه - روشنفکران ادغام‌شده در دولت و روشنفکران مستقل- تجلی دو گفتمان متفاوت بود. روشنفکران مستقل تلاش می‌کردند از درون عمل کنند و بسیاری از آنها صادقانه برای ارتقای فرهنگی جامعه، از حیثیت و اعتبار خود مایه می‌گذاشتند.

این مقدمه‌چینی، در حکم بدیهیاتی است برای رسیدن به بدیهه‌های دیگر و ترسیم وضعیتی که اغلب بدان آگاهانه، اما نسبت به آن واکنشی نشان نمی‌دهند.

وضعیتی که از دل این فعل و انفعالات شکل گرفته است و ما هم‌اینک وارث آن هستیم. این وضعیت تدریجاً ما را به رفتاری پارادکس‌گونه سوق داده است، اینکه برخی، هم از موضع روشنفکر اظهارنظر می‌کنند و هم نفس وجود روشنفکر را انکار می‌کنند. این انکار خود و دیگران نوعی واکنش به وضعیتی است که ظرف چند دهه اخیر به وجود آمده است. انکار روشنفکران دیروز کاری جز انتقاد از همفکران خود ندارند. و شاید در این‌دست انتقاد‌های گاه کینه‌توزانه، به دنبال تبری جستن از یکدیگراند. انتقاد روشنفکرانه با انتقاد از وضعیت موجود شکل می‌گیرد. اما از آنجا که این‌گونه انتقادکردن راه دیگرنه‌ای نیست، چاره‌ای جز خودزنی، گذشته‌زنی و حتی همفکرزنی پیدا نمی‌کنند. این روزها در رسانه‌های خصوصی و حتی نیمه‌خصوصی، زدن پا رد و انکار روشنفکرانی چون آل‌احمد و شریعتی رونق بسیار دارد. انکار درنهایت تدریوها موفق شده‌اند انزجار از روشنفکر مستقل و گذشته آن را هم‌زیونیک کنند. بدیهی است هر جریان اصیلی فارغ از دسته‌بندی‌های ایدئولوژیک به مواجهه انتقادی با گذشته و اکنون خود نیازمند است. روشنفکران نیز از این قاعده مستثنی نیستند. اما آنچه این روزها از سبوی برخی روشنفکران در رسانه‌ها مطرح می‌شود، با فقر شدید تئوریک روبه‌رو است و شاید بیشتر از سر ترس و فرار از گمنامی است، نه از سر احساس مسئولیتی اصیل به قصد تحول و احیای جریان روشنفکرانه. در برابر هر رویدادی می‌توان واکنش نشان داد. اما روشنفکران به‌خصوص در عرصه سیاست و فرهنگ، به جای واکنش‌های عادی، به کنش‌هایی خلاقانه دست می‌زنند. این همان کاری است که به‌دور از عاقبت و عاقبت‌اندیشی، آل‌احمد و شریعتی در زمینه و زمانه خود انجام دادند.

شرق: فرشاد مؤمنی خود را در زمره کسانی می‌داند که تحقق یافتن اهداف برنامه‌های توسعه را شکست نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع می‌دانند. او که عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه است در توضیح بیشتر این تقسیم‌بندی می‌گوید: چراکه با درگی بیش از حد سطحی و با سلیقه‌ای که بیش از حد به ظواهر و ظاهرسازی اهمیت می‌دهد، منابع مادی، انسانی و زمان را بدون تحقق دستاوردی درخور از جامعه می‌گیرد. نشست این هفته موسسه دین و اقتصاد به مناسبت حساسیت ویژه سال ۹۴ از منظر تصمیم‌گیری‌های حساس، به تحلیل راهکارهای نجات اقتصاد ایران از وضعیت فعلی اختصاص یافت که در ادامه بخش‌هایی از آن توسط «شرق» منتشر می‌شود.

سال ۱۳۹۴، سال تصمیم‌گیری‌های بسیار سرنوشت‌ساز برای افق‌های کوتاه و میان‌مدت در کشور است. این تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز در شرایط خطیری در دستور کار قرار دارد. ایران ما به اعتبار ملاحظات داخلی و هم به اعتبار ملاحظات بین‌المللی، شرایط بسیار پیچیده‌ای را تجربه می‌کند و در این شرایط آنچه به سهولت قابل‌درک است اینکه باید از حداکثر ظرفیت‌های دانایی موجود در جامعه استفاده کنیم با این امید که بتوانیم با کمترین هزینه و بیشترین دستاورد از این شرایط خطیر عبور کنیم. در نگاهی به فهرست مسائل حاد و جدی پیش‌روی کشور در درون یا در کادر مناسبات بین‌المللی، انبوهی از چالش‌های بزرگ را بر سر راه می‌بینیم و مهم‌ترین خطری که در چنین شرایطی می‌تواند کشور را تحت‌تأثیر قرار بدهد این است که ما در این زمینه‌قادر به مرتبه‌بندی اصولی و اولویت‌بندی عالمانه جریان‌نابذیری هستیم. تجربه وضع‌های چهارم و پنجم توسعه می‌تواند عبرت‌آموز باشد. از این زاویه که منابع انسانی و مادی عظیمی که صرف تهیه، تدوین و تصویب این دو برنامه شد، به اعتبار کاستی‌های بزرگ موجود در نظام تصمیم‌گیری و اجرائی کشور، عملاً نادیده گرفته شد و کشور از این محل، هزینه‌ها و خسارت‌های جبران‌ناپذیری متحمل شد. از یک‌سو در دوره سال‌های برنامه چهارم و پنجم، فرصت‌های بسیار استثنایی تاریخی را از دست دادیم و از دیگر سو بی‌سابقه‌ترین سطوح تجربه شده از نابسانمانی در نیم‌قرن گذشته را در این دوره مشاهده کردیم. در چنین شرایطی پیداکردن یک فهم نظری روشنند از چرایی شکل‌گیری این اوضاع‌واحوال و چگونگی برون‌رفت از آن برای ما می‌تواند به‌منابه یک ضرورت حتمی و قطعی در نظر گرفته شود، چراکه در غیاب فهم نظری روشنمند، با آزمون و خطاهای پرهزینه و بی‌فراجم روبه‌رو می‌شویم. حتی اگر نتوانیم به زمان‌های خیلی دور هم اشاره کنیم در همین ربع‌قرن اخیر، بارها تجربه دست‌کاری قیمت‌های کلیدی را آزمون کرده‌ایم اما گویی نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع کشور تاکنون استعداد بسیار اندکی برای دستیابی به یافته‌های عالمانه از این تجربه‌ها داشته است و به همین دلیل می‌بینیم که دائماً در ربع‌قرن گذشته دوباره ایده دست‌کاری قیمت‌های کلیدی در مرکز توجه نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع کشور قرار می‌گیرد. اگر بخواهیم دوره بررسی خود را به دوران جمهوری اسلامی بسط بدهیم، بی‌سابقه‌ترین سطح تجربه شده تجهیز منابع مادی و انسانی در ۱۰ سال اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به پی‌ریزی زیرساخت‌های فیزیکی و توسعه روستایی اختصاص یافت و باوجود اینکه این تلاش دستاوردهای بسیار خارق‌العاده‌ای نیز داشت اما منجر به ارتقای کیفیت زندگی روستایان و ارتقای بنیه تولیدی آنها، در حدی که بتوانند به شکل اصولی در

اقتصاد

فرشاد مؤمنی با انتقاد از بدنام‌شدن عدالت در ایران:

احمدی‌نژاد دلارهای نفتی را جای سود سهام عدالت جازد

در دولت قبل ایده عدالت اجتماعی را بدنام کردند؛ دم از عدالت زدند و فلاکت را به جای آن نشاندند



عکس

عباس گویزی، شرق

زمینه هم گرچه تشخیص اینکه کانون بحران بخش مسکن ایران به حوزه مسکن اقشار کم‌درآمد مربوط می‌شود، درست بود، اما شیوه سیاست‌گذاری متناقض و غیرعالمانه در طرح مسکن مهر عملاً باعث شد حداقل تا ۲۰ سال آینده، دولت‌ها همچنان در گروگان آن سیاست غیرکارشناسی باشند. برای اینکه تصویری از ابعاد این مسئله داشته باشید، گوشزد می‌کنم براساس مطالعه‌ای که در وزارت مسکن و در دوره مسئولیت دولت قبلی صورت گرفت مشخص شد اگر این ساختمان‌ها بخواهند با استانداردهای حداقلی موجود در ایران به مسکن تبدیل شوند، به قیمت‌های سال ۸۹ حدود ۱۳۰ هزار میلیارد تومان تعهد مالی برای دولت ایجاد می‌کنند. در حالی است که متوسط بودجه عمرانی تخصیص داده‌شده کشور در پنج سال اخیر به زحمت به ۱۵ هزار میلیارد تومان می‌رسد. در این دست اقدامات هرچند نیت خیری هم در کار باشد، اما با حرکت بدون برنامه، هم منابع انسانی و مادی نظام ملی تلف می‌شود، هم آبروی خود را به مخاطره می‌اندازد و هم گرفتاری تشخیص داده‌شده، برطرف نمی‌شود.

بنابراین در درجه اول باید یک برخورد فعال و عالمانه در زمینه طراحی و تدوین برنامه توسعه را در دستور کار قرار دهیم. همیشه در ۶۵ سال گذشته وقتی استادی به نام برنامه توسعه منتشر می‌شد و پس از صرف منابع، اهداف را محقق نمی‌کرد این مسئله مطرح می‌شد که این اتفاق را باید چگونه برنامه‌ریزی تلقی کنیم یا شکست برنامه‌ریزان؟ شخصاً در زمره کسانی هستم که این اتفاق را شکست نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع می‌دانند که با درکی بیش‌از‌حد سطحی و با سلیقه‌ای که بیش‌از‌حد به ظواهر و ظاهرسازی اهمیت می‌دهد، منابع مادی، انسانی و زمان را بدون تحقق دستاوردی درخور از جامعه می‌گیرد. یکی از راه‌های اصولی نجات کشور این است که برنامه‌ریزی را به روش علمی و به اعتبار همه دستاوردهای نظری توجیه‌کننده برنامه‌ریزی شناسایی کنیم و بعد به معنای دقیق کلمه، برنامه بریزیم نه اینکه به سبک‌وسباقی موجود، بدون فراهم‌کردن ملزومات، تظاهر به برنامه‌ریزی کنیم. متأسفانه طرز برخورد دولت جدید که عواقب برخورد غیربرنامه‌ای دولت قبلی را دید، نیز با این مسئله به‌هیچ‌وجه یابسته شرایط کنونی ایران و منعکس‌کننده ابعاد بحران‌هایی که داریم، نیست. دولت جدید که لااقل به صورت شکی تلاش می‌کرد ناهنجاری‌های عریان دولت قبلی را تکرار نکند و بهترین تجلی آن هم تلاش ستودنی برای ارائه به موقع لایحه بود‌جه در دو سال گذشته بوده است، درباره برنامه ششم امروز ۲۵ ماه با توجه به الزام قانونی تقدیم برنامه، تأخیر دارد. وقتی نوبت به برنامه میان‌مدت رسید حتی در حد رعایت شکل

افزایش سرمایه به دلیل تقسیم سود بالا در مجامع

محمد باقر آبادی - حسابدار رسمی- حسابدار مستقل

منابع مالی جدای از اینکه سهم هزینه‌های تأمین مالی از کل هزینه‌های تولید به چه میزان است، نقشی تعیین‌کننده در بهبود فرایند رشد بنگاه‌های اقتصادی و توسعه اقتصادی خواهد داشت.

طلاو سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۱۱۰۰۰	+۱۰۰۰
طرح قدیم	۹۱۰۰۰۰	+۲۰۰۰
نیم	۴۵۸۰۰۰	+۲۰۰۰
ربع	۲۴۹۰۰۰	+۴۰۰۰
گرمی	۱۶۶۰۰۰	+۱۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۹۲۶۹۰	+۴۰
اونس + (دلار)	۱۰۷۲	+۳
ارز +	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۶۲۲	-۸
یورو	۳۸۶۰	-
پوند	۵۴۸۰	+۳۵
درهم	۹۹۲	+۶
عنوان شاخص	۲۷ آبان	۴ آذر
کل	۶۲۸۷۱۳	۶۲۷۳۴۶
شاخص قیمت	۲۴۴۸۵۴	۲۴۴۲۷۴
شاخص کل (محر)	۹۸۱۶	۹۷۷۶۳
شاخص قیمت (محر)	۸۳۵۲۵	۸۳۱۳۶
آرژانشاور	۶۹۷۰۶۹	۶۹۲۴۶۶
۵۰ شرکت بزرگ	۲۵۶۱۶	۲۵۵۵۲
		-۶۴

همان‌طور که می‌دانیم، یکی از ویژگی‌های اصلی تأمین مالی در اقتصاد ایران، بانک‌محور بودن نظام تأمین مالی و نقش بربرگ بازار پول در این فرایند است. به عبارتی، اولین و شاید تنها گزینه اکثر مدیران برای تأمین مالی پروژه‌ها و شرکت‌ها، بهره‌مندی از تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری است و بازار سرمایه نقش کمتری در این مسیر بر عهده دارد. ازاین‌رو تلاش بر این است که ابزارهای مختلفی برای تأمین مالی از طریق بازار سرمایه به‌وجودآید که می‌توانند نقش و سهم بازار سرمایه در تأمین مالی بنگاه‌ها را افزایش دهند و این مسئله در نهایت به توسعه‌بخشی واقعی اقتصاد کشور خواهد انجامید. ابزارهای متنوع موجود در بازار سرمایه به گونه‌ای است که شرکت‌ها اعم از سهامی عام و خاص می‌توانند به منظور تأمین منابع مالی از آنها بهره‌مند شوند. بر اساس گزارش مدیریت نظارت بر بازار اولیه سازمان بورس، در هشت ماه ابتدای امسال مجوز انجام افزایش سرمایه ۸۷ شرکت، یک مورد تاسیس و چهار مورد انتشار اوراق بدهی صادر شده است. بر اساس مجوزهای صادرشده، ۶۴ درصد افزایش سرمایه‌ها از محل مطالبات حال شده سهام‌داران و آورده نقدی و باقی از محل سود انباشته، اندوخته‌ها و مازاد تجدید ارزبایی دارایی‌ها بوده است. یکی از دلایلی که افزایش سرمایه از محل مطالبات حال‌شده سهام‌داران و آورده نقدی، بخش عمده افزایش سرمایه شرکت‌ها را به خود اختصاص می‌دهد، تقسیم سود بالا در مجامع عادی سالانه است که شرکت‌ها را با کمبود نقدینگی مواجه می‌کند. بر همین اساس بازار سرمایه پتانسیل تأمین مالی شرکت‌های بزرگ و تأمین مالی بلندمدت را دارد و امید است هر روز بیش از بیش از این پتانسیل استفاده شود.

نیز شاهد سهل‌انگاری و ظاهرسازی بی‌کیفیت هستیم. مؤلفه دوم که می‌تواند به‌عنوان یک کلید دیگر برای نجات ایران مطرح باشد، مؤلفه توسعه عادلانه است. تصور اینکه با برخورد انفعالی یا غیرعالمانه با این مسئله می‌توان راه گریزی برای برون‌رفت از شرایط کنونی پیدا کرد، دقیق و درست نیست. واقعیت این است که از هر زاویه‌ای به سرنوشت ایران نگاه کنیم گویی ایر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا بر کستره و عمق نابرابری و بی‌عدالتی در این جامعه افزوده شود. ساخت جغرافیایی کم‌آب و به‌یغایت پراکنده، ماهیتا به شکل‌های گوناگون، همه وجوه نابرابری را در حیات جمعی ایران بازتولید می‌کند. از دیگر سو ساخت اقتصادی ایران نیز با یک ساختار تک‌محصولی وابسته به یک منبع خاص، ذیل عنوان اقتصاد سیاسی رانتی، ماهیتا یک ساختار نابرابرساز است. ازاین‌رو بازتولید مناسبات و نهادهای ناشی از مؤلفه‌های جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی در کنار الگوی تعاملی که از موج اول انقلاب صنعتی با نظام بین‌المللی داشته‌ایم، نشان‌دهنده این مسئله است که کانون اصلی بازتولید گرفتاری‌های ما این است که از زاویه‌ای با رویکرد عدالت اجتماعی، به مسئله توسعه برنامه‌ریزی‌شده نگاه اصولی نداشته‌ایم و این متغیر بیش از هر متغیر دیگری قدرت بازتولیدی دارد تا بازآیند کند که چرا این همه تخصیص منابع با وجود این همه اشتیاق عمومی ملی برای توسعه، نتوانسته دستاورد بیسته‌ای به همراه داشته باشد. متأسفانه طرز برخوردی که در دولت قبلی با این مسئله شد نیز گرفتاری‌های ما در این زمینه را به‌طرز غیرمتعارفی افزایش داده است. واقعیت اینکه آنها ایده عدالت اجتماعی را بدنام کردند، دم از عدالت زدند و فلاکت را به جای آن نشاندند به‌گونه‌ای که بی‌سابقه‌ترین سطوح توزیع ناکارآمد و فاسد منابع ملی را در آن دوره شاهد بوده‌ایم و به نظر می‌رسد دولت جدید نیز هنوز نتوانسته است خود را از شوک ناشی از آن بدفع‌کردن از عدالت اجتماعی، خلاص کند چراکه هنوز یک کلمه حرف جدی و روشنمند مبتنی بر برنامه، در زمینه عدالت اجتماعی، از دولت نشنیده‌ایم حال آنکه آسیب جدی ناعدالتی‌ها بر مناطق، بنگاه‌ها و خانواده‌های ایران قابل مشاهده است و این نابرابری‌ها، کانون یکی از مهم‌ترین تهدیدهای آینده کشور قلمداد می‌شود. امروزه شرایطی را تجربه می‌کنیم که ذخیره مالیایی بشر در این زمینه در حد نصاب قابل‌قبولی است. در سال ۱۹۹۹ مؤسسه جهانی پژوهش‌های اقتصاد توسعه نتایج تحقیقاتی را منتشر کرد و سؤال اصلی آن این بود که از تجربه توسعه قرن بیستم چه چیزهایی برای قرن بیست‌ویکم می‌توانیم بیاموزیم. در آنجا دیده بودند که تقریباً تمام عوامل بازتولیدکننده توسعه‌نیافتگی، ریشه در غفلت از مسئله عدالت اجتماعی و نابرابری‌های فاقد توجیه دارد و به صورت میسوط در این زمینه صحبت کردند، در جامعه‌ای که ساختار نهادی آن به صورت نظام‌وار نابرابری‌ها را افزایش می‌دهد، الگوی مسلط مناسبات اجتماعی، الگوی ستیز است؛ یعنی نه رقابت سازنده در آن شکل می‌گیرد و نه همکاری و تعاون برای ساختن آینده بهتر در دستور کار قرار می‌گیرد. باور ما این است که صرف نظر از آنچه به شکل ظاهری دنبال خواهد شد، نیازمند ایجاد یک کانون صاحب صلاحیت در بالاترین سطح ملی هستیم که در آن، گزینش افراد براساس صلاحیت‌های تخصصی و تجربی و نه براساس ملاطحات دیگر باشد تا این افراد با توانایی و اختیارات قانونی راه نجات کشور را بر حول دو محور «برخورد برنامه‌ریزی‌شده» برای برون‌رفت از توسعه‌نیافتگی و «توسعه عادلانه» دنبال کنند.

www.sharghdaily.ir

شل،توتال،لوکاویل،انی

پتروناس ودیگران امروز در تهران

● ایسنا، رئیس کمیته بازنگری قراردادهای نفتی ایران گفت: در کنفرانس رونمایی قراردادهای نفتی تهران، شرکت‌های نفتی بین‌المللی نظیر شل، توتال، انی، لوکاویل، وینترشال، سینوپک، کوکاز، دا‌ان‌او، تره‌وی، وود ساید، پتروناس، پرتامینو اندونزی، پی‌جی‌اس‌سی و... حضور پیدا می‌کنند. سیدمهدی حسینی از حضور ۱۵۲ شرکت خارجی در کنفرانس معرفی مدل جدید قراردادهای نفتی خبر داد و گفت: شل، توتال، لوکاویل و دیگر بزرگان انرژی شنبه در این کنفرانس حضور پیدا می‌کنند. حسینی با اشاره به اینکه در مراسم معرفی مدل جدید قراردادهای نفتی، ۴۵ کشور دنیا شرکت می‌کنند، افزود: مجموع شرکت‌های حاضر در معرفی قراردادهای جدید نفتی شامل ۳۳۵ شرکت می‌شود که از این تعداد ۱۸۳ شرکت ایرانی و ۱۵۲ شرکت بین‌المللی هستند. به گزارش ایسنا، در مراسم افتتاحیه کنفرانس تهران که امروز (شنبه، هفت آذر) در سالن اجلاس سران برگزار می‌شود، رئیس کمیته بازنگری قراردادهای نفتی گزارشی از روند کار در دوره دوساله بازنگری را به اطلاع شرکت‌کنندگان خواهد رساند. در ادامه کنفرانس، بیژن زنگنه، وزیر نفت، با عنوان «سیاست‌ها و برنامه‌های وزارت نفت و موضوع قراردادهای جدید» سخنرانی خواهد کرد.

ادامه از صفحه اول

قدرت رقابت

قرارداد جدید نفتی ایران

اما هم‌اکنون قیمت نفت اوپک از نصف آن میزان هم کمتر شده و گزارش‌ها حاکی است عراق به خاطر حفظ بازارهای خود، برخی از انواع نفت خود را حتی به ۳۰ دلار هم می‌فروشد. با توجه به اینکه نوع نفت‌های تولیدی عراق شباهت زیادی به نفت‌های تولیدی ایران دارد، اما هنوز مشخص نیست بازارهای بین‌المللی چه میزان کشتن و تقاضا برای نفت‌های تولیدی ایران تا چند سال آینده خواهند داشت، اما آنچه مسلم است، نفت سبک و فوق‌سبک (میعانات گازی) در بازارهای بین‌المللی به حد فوق‌اشباع رسیده است. دراین‌میان ایران در نظر دارد بیش از ۷۰ پروژه نفت و گاز خود را در قالب قرارداد جدید توسعه دهد که حدود ۳۰ درصد آنها از مرحله اکتشاف آغاز می‌شود. آنچه از متن چارچوب قانونی قرارداد جدید برمی‌آید، در این قراردادها مالکیت مخازن در دست شرکت ملی نفت باقی خواهد ماند و عقد قراردادهایی از نوع مشارکت در تولید عملی متنیف است. شرکت‌های بین‌المللی مالیه به عقد این نوع قراردادها هستند، چراکه بخشی از ذخایر میدان عملاً در فهرست دارایی‌های آن شرکت وارد شده و باعث بالارفتن اعتبار شرکت می‌شود و علاوه برآن امکان برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای درآمدهای قراردادهای بیع متقابل نیست که شرکت خارجی صرفاً به‌عنوان یک پیمانکار وارد پروژه‌ای شود و بعد از مرحله تولید، از پروژه کنار رود. در قراردادهای جدید که تا ۲۰ تا ۲۵ساله تعریف شده است، شرکت طرف قرارداد به ازای میزان تولید، سهمی (حداکثر ۵۰ درصد) از محصول تولیدشده خواهد گرفت و این سیستم پرداخت تا پایان تولید از میدان ادامه خواهد داشت. از طرفی به‌ازای توسعه زودهنگام یا تولید بیش از میزان توافق‌شده، پاداشی به شرکت‌های خارجی داده خواهد شد که عاملی تشویق‌آمیز و جذاب تلقی شده و انگیزه آنها را برای تولید صیانتی افزایش خواهد داد. از طرفی شرکت خارجی ملزم به انتخاب یک شریک در میان شرکت‌های ایرانی است و اپراتوری پروژه به‌صورت تناوبی میان شرکت ایران و خارجی تعویض خواهد شد. این موضوع باعث می‌شود شرکت‌های ایرانی همه دانش لازم موردنیاز توسعه میدان را از شرکت خارجی کسب کرده و شرکت خارجی چاره‌ای جز ارائه این دانش ندارد. به‌طورکلی به‌نظر می‌رسد مؤلفه‌های جذابیت در این مدل جدید به شکل مطلوبی ارتقا یافته تا «سرمایه» و «فناوری» مورد نیاز برای توسعه «کارشناس انرژی و مدیر اخبار ایران‌بخش انگلیسی خبرگزاری ترن

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر فقدان

مهندس جعفرقلی نوری خواجوی

بزرگ خاندان نوری خواجوی را به اطلاع می‌رساند به همین

مناسبت مجلس ختمی روز دوشنبه مورخه ۹۴/۹/۹ از

ساعت ۱۵:۳۰ الی ۱۷:۰۰ در مسجد الجواد واقع در میدان

۷ تیر منعقد می‌باشد . حضور سروران گرامی باعث شادی

روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود .

فرزندان : دکترعلی خواجوی – مهندس جواد نوری خواجوی

و مهندس میترا نوری خواجوی